



دانشگاه هرمزگان
وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب



بررسی رابطه بین رهبری آموزشی و عدالت اجتماعی در محیط های دانشگاهی (مطالعه موردی: مدرسین دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل)

لیلی جعفری کاردگر

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

leilijafari66@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین ابعاد رهبری آموزشی و عدالت اجتماعی در محیط های دانشگاهی بوده است. این پژوهش از نظر روش گردآوری داده ها توصیفی و از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی می باشد. جامعه آماری مدرسین دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل بوده اند. با توجه به آماری که از دانشگاه گرفته شد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹، ۱۶۰ هیئت علمی (با احتساب مدرسین) داشته است. برای تعیین حجم نمونه از جدول کرچسی و مورگان مورد استفاده گردید که تعداد نمونه برابر با ۱۳ نفر برآورد شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که از نظر مدرسین دانشگاه مورد بررسی بین ابعاد رهبری آموزشی و عدالت اجتماعی رابطه معناداری وجود داشت.

واژگان کلیدی: رهبری آموزشی، عدالت اجتماعی، محیط های دانشگاهی.

مقدمه و بیان مسأله

در میان منابع انسانی، نقش مدیریت و رهبری به ویژه مدیریت و رهبری مدارس ممتازتر و برجسته تر از سایر افراد است به طوری که می توان گفت موفقیت نظام آموزش و پرورش تا حدود زیادی به کارآمدی مدیریت و رهبری مدارس بستگی دارد (مرد و همکاران، ۱۳۹۶). وجود رهبری موفق وجه تمایز سازمانهای موفق از سازمانهای ناموفق است. لامبرت (۲۰۰۶)، معتقد است که یک رهبر موفق می تواند عامل ایجاد تغییرات مثبت در موفقیت دانش آموزان، معلمان و مدرسه ای باشد که او آن را رهبری می کند. بوش (۲۰۰۸) نیز، بر این امر تأکید می کند که رهبری موفق برای موفقیت مدارس و سیستم های آموزش و پرورش ضروری است. پاماس (۲۰۰۶)، معتقد است که به منظور حفظ کیفیت برنامه های آموزشی به عنوان یکی از شاخص های اصلی مدارس اثربخش، رهبران مدارس می بایست علاوه بر مدیریت مدرسه، به عنوان رهبران آموزشی نیز ایفای نقش نمایند. بنظر احمد و حسین (۲۰۱۳)، اصطلاح «رهبری آموزشی» به فعالیتهایی اشاره دارد که مدیران مدارس برای افزایش یادگیری دانش آموزان انجام داده، و یا به دیگران محول می کنند. رهبر آموزشی اولویت بالایی برای بهبود کیفیت آموزش قائل بوده و برای تحقق این چشم انداز سخت تلاش می کند. وایتاگر (۱۹۹۸)، معتقد است که رهبری آموزشی به یک سری از رفتارهایی که به منظور تأثیرگذاری بر آموزش در کلاس طراحی شده اند، اشاره می کند. چنین رفتارهایی شامل آگاهی بخشی به معلمان توسط مدیران در مورد راهبردهای جدید آموزشی و آموزش اثربخش می باشد. از نظر آلیگ-میلکاریک (۲۰۰۳)، رهبری آموزشی به عنوان رفتارهای مدیر که موجب هدایت مدرسه در جهت آموزش کلیه دانش آموزان برای دستیابی به پیشرفت تحصیلی سطح بالا می شود، تعریف شده است. نمایندگان آموزشی نیک می دانند که مهمترین عامل در هدایت برنامه ها اصلاح و تغییر مدارس و نظام آموزشی، مدیران هستند (یزدانی، ۲۰۲۰). در دو دهه آینده، جنبش اصلاحات آموزشی در مدارس متکی بر مدیران خواهد بود. به عنوان یک قاعده، بهبود کیفیت و ایجاد تغییرات اساسی در مدارس، نه تنها به کیفیت و صلاحیت ها مدیریتی، بلکه تا حد زیاد، به رهبر آنها بستگی دارد. تحقیقات اثربخشی مدارس، به طور کلی نشان می دهد که توانایی مدیران در ایفا نقش رهبر مؤثر، عنصر اصلی مدارس امروزی است (زین آبادی، ۲۰۱۰). وظیفه اساسی رهبر آموزشی عبارت است از بهینه سازی وضعیت یادگیری و پیشرفت تحصیلی است. اگر کسی در مقام رهبر آموزشی است نتواند در بهبود کیفیت آموزش مؤثر واقع شود وجود او در این مقام قابل دفاع و توجیه نخواهد بود (والز، ۲۰۰۹).